
فرهنگ کوچک
پارسی - بلوچی
بلوچی - پارسی

سرشناسه: آذری، غلامرضا، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ کوچک پارسی- بلوچی، بلوچی- پارسی / پژوهش و گردآوری غلامرضا آذری؛
[به کوشش منوچهر پیشوا]؛ [ویراستار حسین جاوید].
مشخصات نشر: تهران: بهجت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۸-۰۳۰-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- زبان بلوچی
موضوع: زبان بلوچی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ف۴/۳/۱۴۴ PIR۳۲۵۳
رده بندی دیویی: ۳۹۸/۹۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۰۸۶۴۲

فرهنگ کوچک
پارسی - بلوچی
بلوچی - پارسی

پژوهش و گردآوری

غلامرضا آذرلی





انتشارات بهجت

با همکاری پارسی انجمن و کتابسرای بلخ یازدهم

فرهنگ کوچک پارسی - بلوچی، بلوچی - پارسی
پژوهش و گردآوری: غلامرضا آذرلی

به کوشش منوچهر پیشوا

ویراستار: حسین جاوید

پیرنگ‌گر پوشینه و رویه‌آرا: مریم تاجبخش

نمونه‌خوان: بهار یونس‌زاده

چاپ اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ گلشن سبز

بها: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۸-۰۳۰-۱

همه‌ی هوده‌های [حقوق] این فرهنگ نگاهداشته شده است.

انتشارات بهجت: تهران، خیابان ولی‌عصر، دوراهی یوسف آباد، شماره ۱۹۷۸

تلفن: ۸۸۹۶۷۱۷۶ - دورنگار ۸۸۹۵۷۱۷۶

دفتر توزیع و فروش انتشارات بهجت: تهران، خیابان میرزای شیرازی، شماره ۱۶۲

تلفن: ۸۸۸۹۹۹۰۷ - دورنگار ۸۸۹۴۱۱۴۶

تارنمای انتشارات بهجت: www.behjatpublication.com

رایانشانی: info@behjatpublication.com

تارنمای پارسی انجمن: www.parsianjoman.org

رایانشانی: azdaa@parsianjoman.ir

فرهنگ کوچک پارسی - بلوچی، بلوچی - پارسی نخستین کتابی است که در بخش زبان‌های ایرانیک «پارسی‌انجمن» چاپ می‌شود.

پارسی‌انجمن خویشکاری خویش را پاسداری و پالایش زبان پارسی می‌داند، آن هم در روزگاری که زبان پارسی - این یگانه و بی‌همتای هستی و خویشتن‌شناسی ایرانی - دستخوش گزندها و نامردمی‌های فراوان شده است. این انجمن، که برآمده از چنین خویشکاری‌ای است، به دور از هر اندیشه و کنش سیاسی و آیینی، دست دوستی هر دوستدار زبان پارسی را می‌فشارد و امیدوار است که با همکاری یکایک آنانی که به این زبان شهرآیینی و فرهنگ و هنر ایرانی ارج می‌نهند و بدان دلبستگی دارند گامی، هرچند کوچک، در باروری و پویایی این زبان کهن بردارد.

پارسی‌انجمن همچنین می‌کوشد با بازشناسی فرهنگ و خویشتن‌شناسی ایرانی در بستر زبان پارسی، به بازشناسی روندها و کنشگرانی که به پویایی زبان پارسی یاری رسانده‌اند بپردازد و اندیشه‌های آنان را بازخوانی کند و با نگاه به دستاوردهای جهان پیشرو در گستره‌ی زبان‌شناسی، راه‌های پویاتر شدن زبان پارسی را با نگاه‌داشت بنیادهای آن بیابد و در فرجام، با آسیب‌شناسی زبان پارسی، بتواند تنگناهای زبانی را، به‌ویژه در گستره‌ی جهان دانش، بازشناسد و به اندازه‌ی خویش گره‌گشایی کند.

از چنین آرمانی است که پارسی‌انجمن برآن شد که فرهنگ کوچک پارسی - بلوچی، بلوچی - پارسی، پژوهش و گردآوری سرور غلامرضا آذرلی، را که برآیند سال‌ها کوشش و پشتکار نویسنده‌ی ارجمند آن است به چاپ برساند؛ چراکه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی گنجینه‌ای ارزشمند و پشتوانه‌ای سترگ برای زبان پارسی‌اند که با بررسی آن‌ها بسیاری از ناشناخته‌های زبان‌شناختی زدوده و با واکاوی این کان‌های پرگوهر بخش‌های ناشناخته‌ای از فرهنگ ایران‌شهر بازشناسی می‌شود.

باشد که این فرهنگ پژوهندگان و دلبستگان زبان‌های ایرانی، به‌ویژه زبان بلوچی، را

سودمند افتد و پیش‌درآمدی برای کارهای آیندگان و نوشتن فرهنگ درخوری برای این زبان
ایرانی باشد.

در پایان جا دارد از پشتیبانی سرور پرویز شاه‌چراغی برای چاپ این فرهنگ سپاسگزاری کنم.

بزرگمهر لقمان
سردبیر پارسی‌انجمن

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۱۲	الفبای بلوچی.....
۱۳	نشانه‌های مصدر در بلوچی.....
۱۴	حالات مصدری در زمان‌های گوناگون از مصدر.....
۱۶	پاره‌ای از مصدرهای بلوچی.....
۲۱	بخش نخست: فرهنگ پارسی - بلوچی.....
۹۱	بخش دوم: فرهنگ بلوچی - پارسی.....
۱۷۱	بخش سوم: پیوست‌ها.....
۱۷۳	نام خرماهای بلوچستان.....
۱۷۵	ماهی‌های بلوچستان (جانوران دریایی).....
۱۷۶	نام گیاهان بلوچستان.....
۱۸۰	نام درخت‌های بلوچستان.....
۱۸۱	زبانزدهای بلوچی.....
۱۸۶	نام‌گذاری پسران و دختران در بلوچستان.....
۱۸۸	سرچشمه‌های بلوچی بهره‌گرفته‌شده از کسان و نوشته‌ها.....

پیشگفتار

با بلوچی آشنا شویم

سرآغازی با درود (دِراهُ فَرشَاتک)

برای دیدار گهگاهی فرزندانم که در جنوب کار می‌کرد چندین بار به شهرهای بلوچستان ایران رفتم و هر بار که آنجا را بدرود می‌گفتم و برمی‌گشتم از دیده‌ها و چگونگی آب‌وهوا و مردمان محروم آن سرزمین خاطراتی نه‌چندان خوشایند با خود می‌آوردم و برای نزدیکان و جویندگان بازگو می‌کردم.

آشنایی با آن گوشه‌ی دورافتاده‌ی کشورمان مرا واداشت که در هر سفر نشانه‌ها و نمونه‌هایی از فرهنگ بومی را برگزینم، آنچه را گفتنی بود بگویم و شگفتی‌های آن سرزمین را به یاد بسپارم و دانستنی‌هایی را از باشندگان آن که از تیره‌های گوناگونی‌اند روی کاغذ بیاورم. در آغاز، دریافتم که برداشتن یادداشت‌ها برای من کار آسانی نیست، از آن رو که بایستگی‌اش شناسایی باریک‌بینانه با واگویی واژه‌ها و پشتکار بیشتر در زبان بلوچی است.

زبان بلوچی اگرچه بخشی از زبان‌های ایرانی است، مانند گویش‌های دیگر ایرانی، در هزاران سال و در دادوستد قومی و ریشه‌های زبانی، دچار دگرگونی‌هایی گشته و امروزه با واژه‌های فارسی که این خود همان سرنوشت را داشته است دگرگونی‌هایی پیدا کرده، به‌ویژه آنکه بنیادهای دستوری ویژه‌ی خود را نیز نگه داشته است.

در مورد دگرگونی زبان‌ها، علاوه بر بلوچی، همانندهای دیگری هم در جغرافیای امروزی ایران می‌بینیم. از آن میان است گویش‌های کردی، تالشی و تاتی، لارستانی و دری زرتشتیان و بخش‌های مرکزی ایران و...

باری، خواسته و ناخواسته به سوی ضبط واژه‌های بلوچی و برخی داده‌ها از آداب و زبانزدها کشیده شدم و سالی دو سه ماه را ویژه‌ی پرسش و پژوهش در این باره کردم و پس

از آن با فراهم آوردن انبوهی از واژه‌ها و بازبینی چندباره‌ی آن‌ها به برگزیده‌بندی [فیش‌بندی] و ساماندهی بایسته پرداختیم.

بلوچی از دید زبان و تاریخ و فرهنگ در خانواده‌ی گویش‌های ایرانی جا می‌گیرد، لیک هنوز انگشت‌شماری از واژگان کهن‌تر خود را با گذشت هزاران سال نگه داشته و کاربرد همان واگویی و هجاهای اوستایی و سانسکریت را در بر می‌گیرد و همچنان نزدیکی آشنایی با فارسی امروزی دارد.

در برخورد و گفت‌وگو با مردم بلوچی‌زبان، برداشتم این بود که گویش‌ها دگرگون بوده و یکدست نمانده است، بلکه در بخش‌های گوناگون دگرگونی‌هایی در واگویی پیدا شده و نیز واژه‌های ویژه‌ی محلی هم به‌کار می‌رود.

آموزش زبان در خانواده‌ها نه از راه فرهنگ نوشتاری همگانی بلکه به‌طور سنتی و سینه‌به‌سینه انجام می‌شود. از این روی، مایه‌ی پراکندگی و بی‌سامانی زبان گشته و امروزه ناچار با دست‌یازی به همین زمینه‌ی موجود، نیازهای ارتباطی خود را برآورده می‌سازند.

از دیگر سوی، آگاهی یافتیم که در روزگاری نه‌چندان نزدیک بخشی از مردم بلوچ‌زبان، برای پاره‌ای از نیازها و نگه‌داشت برمانده‌های [آثار] فرهنگی خود، برآن شده‌اند که ابزاری برای نوشتن فراهم آورند؛ از همین رو، از دیگر برادران ایرانی به‌دور نمانده، خطی بر پایه‌ی خط نستعلیق و ساختار بنیادین آن برگزیده‌اند. این خط به‌جز چند حرف که بنا به بایستگی وجود آواهای گویشی است و افزوده شده است، روی هم‌رفته مانند خط فارسی است.

حرف‌ها و نشانه‌های ویژه‌ی خط بلوچی که به خط نستعلیق افزوده شده عبارت‌اند از ث، ژ و ں که تکیه بر ں است. در این خط، برای درست خواندن واژگان، زیرِوِزِری [اِعرابی] بر ساخته‌اند که یادآوری آن بیجا نیست. برای ا - آ - ء، ا - ء و ا - ء باریک‌بینی ویژه‌ای به‌کار می‌رود و به‌خوبی کارساز است.

دیگر از ویژگی‌های زبان تلفظ «ذال معجمه» است، در کتابت «یای معروف و مجهول» رعایت می‌شود و «واو معدوله» در جای خود ادا می‌گردد.

برای دانستن چرایی به‌کار رفتن برخی واژگان ویژه و دگرگونی‌ها و اینکه در چه جاهایی و از سوی کدام تیره‌های قومی دیده می‌شود، ناچار نام پاره‌ای از آن‌ها را که به دست آورده‌ام در اینجا یادآور می‌شوم و آن‌ها بدین گونه‌اند: نارویی، دلگانی، سراوانی، دشتیاری، جدگالی، سربازی، تفتانی و نیز یه‌واری، تاجیکی و براهویی، که این یک زبان دیگر است و به زبان‌های آریایی همانندی‌ای ندارد و شاید انتساب آن به زبان دراویدی‌های جنوب هند و دادن نام کوچ در برابر بلوچ بر آن‌ها روا باشد.

زبان بلوچی خوشاوندی نزدیکی با کردی داشته و، همان گونه که در واژه‌نامه آورده شده، با اوستایی و سانسکریت نزدیکی دارد و از این رو نیز نژادگی خود را بیشتر نگه داشته است. بسیار خشنود خواهم شد اگر این کوشش ناچیز در شناساندن بخشی از فرهنگ هم‌میهنانی که در دورترین و محروم‌ترین بخش ایران به سر می‌برند و زیر ستم طبیعت سخت و ناگوار زندگی می‌کنند سودمند باشد.

از دیگر سوی، امید آن دارم که چنانچه هم‌میهنان بلوچ مواردی از ضبط نادرست ببینند و یا به ناسازواری‌ای در معنی‌ها برخورد کنند و یا لغزشی را در ثبت نکردن زیروزبر و همچنین اشاره نداشتن به واگویی ویژه ببینند، مرا ببخشند، زیرا با پوزش‌خواهی باید بیفزاییم که کاستی‌ها نه از برای کوتاهی که برخاسته از بلوچ‌زبان نبودن من است و اگر دست به چنین کار سترگی یازیده‌ام از برای عشق و دلبستگی‌ای است که به فرهنگ‌های ایرانی و میهن دارم. شایسته این بود در دنباله‌ی پرداختن به گویش مردمان بومی و اشاره‌ها به فرهنگ و ویژگی‌های زبان بلوچی، به یادداشت‌های درخوری نیز بپردازم که هنگام تکاپو و جستجو فراهم شده است که بیشتر آن‌ها در رویه‌هایی چند برای شناخت بیشتر خوانندگان به پیوست واژه‌نامه آورده می‌شود.

غلامرضا آذرلی

الفبای بلوچی

ض: ض	آ: آ
ع: ع	اَ: اَ
غ: غ	اِ: اِ (ءا در آغاز واژه)
ف: ف	اُ: اُ
ق: ق	ب: ب
ک: ک	پ: پ
گ: گ	ت: ت، ٹ (میان ت. د)
ل: ل	ث: ث
م: م	ج: ج
ن: ن، ں	چ: چ
و: و، آو	ح: ح
ه: ه، هه	خ: خ
ی: یه، ی	د: د، ڈ (میان د. ت)
ای: ای، ئی	ذ: ذ
:- (تشدید)	ر: ر، ڙ (میان ر. ل)
،: (علامت فاصله)	ز: ز
کمتر به کار برده می شود {	ژ: ژ
	س: س
	ش: ش
	ص: ص

نشانه‌های مصدر در بلوچی

آگ در آشناگ، زاناگ (شنا کردن، دانستن)

آگ در اوشتگ، رودگ (ایستادن، روییدن)

آق (آغ) در پورسق، ایلغ (پرسیدن، رها کردن)

اوگ در ستوگ (جهیدن)

تن در سُبج گرتن (پرسیدن، در گویش زاهدانی)

حالات مصدری در زمان‌های گوناگون از مصدر

دویدن: دِرِکَنَگ – DEREKKANAG

وجه اخباری	وجه امری	گذشته‌ی مطلق
دِرِکَه کَنَم: می‌دوم	دِرِک بُکَنَن: بدوم	دِرِکِن کُه: دویدم
دِرِکَه کُنِی (کَنَه): می‌دوی	دِرِک بُکَنِی: بدوی	دِرِکِت کُه: دویدی
دِرِکَه کَنَت: می‌دود	دِرِک بُکَنَت: بدود	دِرِکِی کُه: دوید
دِرِکَه کَنِی: می‌دویم	دِرِک بُکَنِی: بدویم	دِرِکِن کو: دویدیم
دِرِکَه کَنِت: می‌دوید	دِرِک بُکَنِت: بدوید	دِرِکُ کو: دویدید
دِرِکَه کَنَت: می‌دوند	دِرِک بُکَنَت: بدوند	دِرِکِش کو: دویدند
زمان حال	گذشته‌ی استمراری	گذشته‌ی نقلی
مَدِرِکِن: دارم می‌دوم	مَدِرِ کَدَن: می‌دویدم	دِرِکِن کَدَگ (کَرْتَه): دویده‌ام
مَدِرِکِی: داری می‌دوی	مَدِرِ کَدِی: می‌دویدی	دِرِکِت کَدَگ (کَرْتَه): دویدم‌ای
مَدِرِکِن: دارد می‌دود	مَدِرِ کَدَّ: می‌دوید	دِرِکَه کَد (کَرْتَه): دویده است
مَدِرِکِن: داریم می‌دویم	مَدِرِ کَدَن: می‌دویدیم	دِرِکِن کَدَگ (کَرْتَه): دویده‌ایم
مَدِرِکَت: دارید می‌دوید	مَدِرِ کَدَّت: می‌دویدید	دِرِکُ کَدَگ (کَرْتَه): دویده‌اید
مَدِرِکَنَت: دارند می‌دوند	مَدِرِ کَدَّنَت: می‌دویدند	دِرِکِش کَدَگ (کَرْتَه): دویدم‌اند

توضیح: از آنجا که گذشته‌ی بعید مورد کاربرد نیست، معمولاً از گذشته‌ی ساده بهره گرفته می‌شود.

زمان آینده (اکنون)

دِرِک اَکَنن: خواهم دوید

دِرِک اَکِنی: خواهی دوید

دِرِک اَکَننت: خواهد دوید

دِرِک اَکَنن: خواهیم دوید

دِرِک اَکَننت: خواهید دوید

دِرِک اَکَننت: خواهند دوید

دونده: دِرِگی - دوان: بَدِرک - دواندن: دِرِک دَیگ - دوندگی: دِرِک دُو - دُو: دِرِک - بَدُو:

دِرِک بَکن - نَدُو: دِرِک نَکن - دوید: دِرِکی گَه - ندوید: دِرِکَه نَگَه